

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مداحان به مناسبت ولادت حضرت زهرا (س) - 3 / آذر / 1373

بسم الله الرحمن الرحيم

با همه‌ی وجود و همه‌ی اعماق دل و جان از خدای متعال سپاسگزاریم که يك بار دیگر این توفیق را ارزانی فرمود تا با شما ببلبلان گلزار اهل بیت علیهم‌السلام و مداحان خاندان عصمت و طهارت، این روز بزرگ را جشن بگیریم و به یاد فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها، دل و جان خودمان را صفا بخشیم. از شما عزیزان هم متشکریم که عید ما را شیرین کردید و با این توسل بسیار خوب و گرم و صمیمانه‌تان، این روز را به معنای حقیقی کلمه عید کردید؛ بخصوص برادرانی که سرودند و خواندند و مجلس را به یاد زهرای درخشان اطهر و کوکب درّی خاندان پیغمبر، منور کردند و به یاد آن بزرگوار رطب‌اللسان شدند.

درباره‌ی فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها، هرچه بگوییم، کم گفته‌ایم و حقیقتاً نمی‌دانیم که چه باید بگوییم و چه باید بیندیشیم. به قدری ابعاد وجود این انسیّه‌ی حوراء، این روح مجرد و این خلاصه‌ی نبوّت و ولایت برای ما پهن‌آور و بی‌پایان و درک ناشدنی است که حقیقتاً متحیر می‌مانیم. می‌دانید که همزمانی و هم‌عصری از عواملی است که مانع از شناخت درست شخصیتها می‌شود. ستارگان درخشان عالم بشریت غالباً در زمان حیاتشان به وسیله‌ی هم عصرانشان شناخته نشده‌اند؛ مگر عده‌ی کمی از برجستگان که انبیاء و اولیاء باشند؛ آن هم به وسیله‌ی عده‌ی معدودی. اما فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها چنانکه در زمان خودشان، نه فقط پدر و همسر و فرزندان و شیعیان خاصشان، بلکه حتی کسانی که شاید رابطه‌ی صمیمانه و گرمی هم با ایشان نداشتند، زبان به مدح آن بزرگوار گشودند. اگر به کتابهایی که درباره‌ی فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها به وسیله‌ی محدثین اهل سنت نوشته شده است، نگاه کنید، روایات بسیاری را می‌بینید که از زبان پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در ستایش صدّیقه‌ی طاهره علیها‌سلام صادر شده است و یا رفتار پیغمبر با آن بزرگوار را نقل می‌کنند. بسیاری از این روایات، از زبان کسانی است که از آن قبیل بوده‌اند؛ مثل بعضی از زوجات پیغمبر و دیگران. این حدیث معروف از عایشه است که گفت: «والله ما رأیت فی ستمته و هدیة اشبه برسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم من فاطمة»؛ هیچ کس را از لحاظ هیأت، چهره، سیما، درخشندگی و حرکات و رفتار، شبیه‌تر از فاطمه به پیغمبر اکرم ندیدم. «و کان اذا دخلت الیه، اذا دخلت علی رسول الله قامت قام الیها»؛ وقتی که فاطمه‌ی زهرا بر پیغمبر وارد می‌شد، آن حضرت برمی‌خاست و مشتاقانه به سمت او می‌رفت. این معنای تعبیر «قام الیها» است. این‌طور نبود که وقتی فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها وارد اتاق می‌شود، پیغمبر جلو پای او فقط بلند شود. قام الیها؛ برمی‌خاست و به سمت او می‌رفت. در بعضی از این نقلها، باز از همین راوی این‌گونه آمده است: «و کان یقبلها و یجلسها مجلسه»؛ فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها را می‌بوسید، دست او را می‌گرفت و می‌آورد در جای خودش می‌نشاند. این مقام فاطمه‌ی زهراست. انسان درباره‌ی این دختر چه بگوید؟ درباره‌ی این موجود با عظمت چه بگوید؟

عزیزان من! عظمت فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها، در سیره‌ی آن بزرگوار آشکار است. يك مسأله این است که ما چه شناختی از فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها داریم؟ این يك حرف است. بالاخره دوستان اهل بیت علیهم‌السلام، در طول زمان، تا آن‌جا که توانستند سعی کردند به حقّ دختر پیغمبر، فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها معرفت پیدا کنند. چنین هم نیست که کسی خیال کند همان‌طور که در زمان ما، این بزرگوار این‌قدر در دلها عزیز و در چشمها شیرین است، همیشه همین‌طور بوده است. امروز بحمدالله دوران اسلامی است، دوران حکومت قرآن است، دوران حکومت علوی و حکومت اهل بیت علیهم‌السلام است و آنچه در دلهاست، بر زبانها جاری می‌شود. قدیمی‌ترین دانشگاه اسلامی در دنیای اسلام - مربوط به قرن سوم و چهارم - به نام فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیهاست. نام دانشگاه معروف «الازهر» در مصر از نام فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها گرفته شده است. در گذشته به نام فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها دانشگاه تأسیس می‌کردند. حتی خلفای فاطمی که بر مصر حکومت می‌کردند، شیعه بودند. قرن‌هاست که شیعه سعی کرده به حقّ این بزرگوار معرفت پیدا کند. این، يك مسأله است. مسأله‌ی دیگر این است که ما باید راه را از همه‌ی ستارگان بیاموزیم؛

«و بالتّجّم هم يهتدون» (55). انسان عاقل این گونه است. از ستاره باید استفاده کرد. ستاره در آسمان است و می درخشد. آن جا عالم عظیمی است. مگر این ستاره همینی است که من و شما می بینیم؟ بعضی از ستارگان که در آسمانند و مثل يك نقطه سوسو می زنند، کهکشانی هستند. گاهی يك ستاره بزرگتر است از کهکشان راه شیری که میلیاردها ستاره داخل آن است! - قدرت الهی که حدّ و اندازه ای ندارد - ولی من و شما آن را يك ستاره ی کوچک درخشان می بینیم. خوب؛ مقصود از این مطالب چیست؟ مقصود این است انسان عاقلی که خدا به او چشم داده است، باید از این ستاره برای امری در زندگی استفاده کند. قرآن می گوید: «و بالتّجّم هم يهتدون»؛ به وسیله ی آن راه را پیدا می کنند.

عزیزان من! این ستاره ی درخشان عالم خلقت، فقط همان نیست که به چشم ما می آید. فاطمه ی زهرا سلام الله علیها بسیار بالاتر از این حرفهاست. ما فقط درخشندگی ای می بینیم؛ ولی بسیار بزرگتر از این حرفهاست. امّا من و شما چه استفاده ای می کنیم؟ همین قدر که بدانیم او زهراست، کافی است؟ در روایتی خواندم که درخشندگی فاطمه ی زهرا سلام الله علیها باعث می شود تا چشمان کزوبیان ملأعلی خیره شود: «زهر نورها للملائكة السّماء (56)». برای آنها می درخشد. ما از این درخشندگی چه استفاده ای بکنیم؟ ما باید از این ستاره ی درخشان، راه به سوی خدا و راه بندگی را که راه راست است و فاطمه زهرا سلام الله علیها پیمود و به آن مدارج عالی رسید، پیدا کنیم. اگر می بینید خدا خمیره ی او را هم خمیره ی متعالی قرار داده است، به این دلیل است که می دانست این موجود در عالم ماده و عالم ناسوت، خوب از امتحان بیرون خواهد آمد؛ «امتحنك الله الذی خلقك قبل ان یخلقك فوجدك لما امّتحنك صابرة (57)»؛ قضیه این است. خدای متعال حتی اگر لطف ویژه ای درباره ی آن خمیره می کند، بخشی مربوط به این است که می داند او از عهده ی امتحان چگونه برخواهد آمد؛ والا بسیار کسان خمیره ی خوب داشتند. مگر همه توانستند از عهده برآیند؟ این بخش از زندگی فاطمه زهرا سلام الله علیها، آنی است که ما برای نجات خودمان به آن احتیاج داریم. حدیث از طرق شیعه است که پیغمبر به فاطمه سلام الله علیها فرمود: «یا فاطمه انّی لم اغنی عنك من الله شیئا»؛ یعنی ای عزیز من! ای فاطمه ی من! نمی توانم پیش خدا تو را از چیزی بی نیاز کنم. یعنی خودت باید به فکر خودت باشی، و او از دوران کودکی تا پایان عمر کوتاهش به فکر خود بود. شما ببینید آن حضرت چگونه زندگی کرده است! تا قبل از ازدواج که دخترکی بود، با آن پدر به این عظمت کاری کرد که کنیه اش را امّابیها - مادر پدر - گذاشتند. در آن زمان، پیامبر رحمت و نور، پدیدآورنده ی دنیای نو و رهبر و فرماندهی عظیم آن انقلاب جهانی - انقلابی که باید تا ابد بماند - در حال برافراشتن پرچم اسلام بود. بی خود که نمی گویند امّابیها! نامیدن آن حضرت به این کنیه، به دلیل خدمت و کار و مجاهدت و تلاش اوست. آن حضرت چه در دوران مکه، چه در دوران شعب ابیطالب - با آن همه سختیها که داشت - و چه آن هنگام که مادرش خدیجه از دنیا رفت و پیغمبر را تنها گذاشت، در کنار و غمخوار پدر بود. دل پیغمبر در مدّت کوتاهی با دو حادثه ی وفات خدیجه و وفات ابیطالب شکست. به فاصله ی کمی این دو شخصیت از دست پیغمبر رفتند و پیغمبر احساس تنهایی کرد. فاطمه ی زهرا سلام الله علیها در آن روزها قدبرافراشت و با دستهای کوچک خود غبار محنت را از چهره ی پیغمبر زدود. امّابیها؛ تسلی بخش پیغمبر. این کنیت از آن ایام نشأت گرفت.

شما ببینید این دریای شخصیت و مجاهدت چه دریای عظیمی است! بعد رسید به دوران اسلام. بعد رسید به ازدواج با علی بن ابیطالب علیه السلام؛ همان علی بن ابیطالب که مصداق کامل يك بسیجی فداکار انقلاب است. هفته ی بسیج است؛ بسیجی یعنی این. یعنی همه ی وجودش وقف اسلام است. وقف است برای آنچه پیغمبر می خواهد و خدا را خشنود می کند. امیرالمؤمنین علیه الصّلاة و السّلام هیچ مایه ای برای شخص خود نگذاشت. در آن ده سال - ده سال حیات پیغمبر - امیرالمؤمنین علیه الصّلاة و السّلام هر کاری که کرد، برای پیشرفت اسلام بود. این که می بینید می گفتند فاطمه ی زهرا و امیرالمؤمنین و فرزندان شان گرسنه ماندند، علتش همین است. والا این جوان اگر به فکر کاسبی بود، می توانست بهتر از هر کاسبی، به کسب بپردازد. این همان علی است که بعدها در دوران پیری اش چاه می کند؛ چاهی که مثل گردن شتر، آب از آن بیرون می زد. آن وقت، هنوز دست و رویش را از گرد و غبار کار نشسته، می نشست و وقف نامه ی چاه را می نوشت! آن حضرت از این کارها زیاد کرده است. چقدر

نخلستانها آباد کرده بود. چرا باید امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام، در جوانی گرسنه بماند؟ در روایت است که فاطمه ی زهرا سلام الله علیها خدمت پیغمبر رفت. آن قدر گرسنگی کشیده بود که پیغمبر زردی گرسنگی را در صورت او مشاهده کرد؛ دل پیغمبر سوخت و برای دخترش دعا فرمود. همه ی تلاش امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام در راه خدا و برای پیشرفت اسلام بود. آن حضرت برای خودش کاری نمی کرد. این، همان مصداق کامل بسیجی است. من به بسیجیان عزیز فعال این کشور علوی و فاطمی عرض می کنم: امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام را الگوی خودتان قرار دهید که بهترین و بزرگترین الگو برای بسیجیان مسلمان در همه ی عالم، علی بن ابیطالب علیه السلام است. آن وقت، فاطمه ی زهرا سلام الله علیها از بین آن همه خواستگار، این جوان پاک باخته ی همه چیز در راه خدا داده را انتخاب کرد که دائم در میدانهای جنگ بود. شوخی که نیست! دختر رهبر با عظمت اسلام و حاکم مقتدر زمان است؛ این همه خواستگار دارد؛ در بین این خواستگاریها، پولدار هست، شخصیت دار هم هست. اما خدا از بین این همه، علی را برای فاطمه انتخاب کرده بود و فاطمه هم به انتخاب الهی راضی و از آن خشنود بود. بعد، چنان با امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام زندگی کرد که آن حضرت با همه ی وجود از او راضی بود. کلماتی که این بزرگوار در روزهای آخر عمر خود به امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام فرمود، شاهد و حاکی از این معناست. دیگر نمی خواهم آن کلمات حزن آور را در این روز عید بخوانم. صبر کرد؛ آن فرزندان را تربیت نمود؛ به آن دفاع جانانه از حق ولایت پرداخت؛ در راهش آن زجر و شکنجه را متحمل شد و بعد هم با آغوش باز به استقبال آن شهادت بزرگ رفت. این فاطمه ی زهرا سلام الله علیهاست.

عزیزان من! شما که ببلان گلزار فاطمی و مداحان اهل بیت علیهم السلام و سرایندگان «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا (58)» هستید، هرچه می توانید روی این نکات تکیه کنید. بخصوص از سروده های بعضی سرایندگان بسیار خوب استفاده کنید. امروز واقعا شعر و سرود خوب و زیبایی انشاد و اجرا شد. مضامین شعر هم بسیار خوب و بی نقص بود. هر چه می توانید این اشعار و اشعاری را که برای مردم می خوانید، از این مضامین سازنده و جهت بخش و هدایتگر پر کنید. کافی نیست که مرتب بگوییم این ستاره درخشنده است. گرچه این درخشندگی ای که ما می بینیم، پرتوی از آن درخشندگی وصف ناپذیر است. از همین پرتو آن ستاره ی درخشان باید اهتدا پیدا کنیم. من عرض می کنم که بحمدالله دلهای جوانان ما با یاد فاطمه ی زهرا سلام الله علیها روشن و منور است. من این را احساس می کنم. انسان احساس می کند که در این ده پانزده سال اخیر، جوشش عشق به فاطمه ی زهرا سلام الله علیها در دل این امت مؤمن و انقلابی و مخلص و حزب الله، بسیار زیاد شده است. نام آن بزرگوار و توسل به آن، در جبهه ها بود، در دوران جنگ بود، در دوران صلح و سازندگی هم هست، در آمادگی در مقابله با دشمنان هم بحمدالله هست. این توسل، توسل خوب و بارزشی است و این روح جهاد فی سبیل الله، به هر شکلی که ممکن شود، همانی است که فاطمه ی زهرا سلام الله علیها آن را دوست می دارد. این، مژده ای به جوانان بسیجی کشور است که هم فاطمه ی زهرا سلام الله علیها را دوست می دارند، و هم برطبق خواست و میل او حرکت می کنند و هم راه او را می روند که راه خدا و راه عبودیت است. «و ان اعدونی هذا صراط مستقیم (59)».

پروردگارا! به محمد و آل محمد، در دنیا و آخرت دستهای ما را از دامن فاطمه زهرا سلام الله علیها جدا مفرما. دلهای ما را به نور زهرای اطهر هدایت کن.

پروردگارا! محبت او را در دلهای ما روز به روز بیشتر کن. ما را با عشق به خاندان پیغمبر بمیران و در قیامت با عشق به خاندان پیغمبر زنده کن.

پروردگارا! به محمد و آل محمد، مشکلات همه ی مردم را با تمسک به اسلام و احکام اسلامی و الهی برطرف فرما و از این اجتماع، لطف و رحمت و صفا و نوری به روح امام بزرگوارمان و شهدای بزرگوار اسلام نثار کن.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(55) نحل : 16

(56) فرازی از حدیث نبوی - امالی شیخ صدوق - مجلس 24 - ص 99.

(57) امام صادق (ع) - التهذیب - ج 6 - ص 10

58) احزاب - 33
59) یس - 61